

رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل‌وهمتین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۲ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به اغتشاشات اخیر تأکید کردند: «هدف دشمن بر هم زدن امنیت کشور بود؛ آنگاه در درجه اول امنیت کشور را به هم بزنند. وقتی امنیت نباشد، هیچ چیزی نیست. وقتی امنیت نباشد، تولید هم نیست، نان هم نیست، درس و بحث هم نیست، مدرسه هم نیست، تحقیقات هم نیست، علم هم نیست، پیشرفت هم نیست؛ همه اینها در سایه امنیت به وجود می آید. این کسانی که امنیت کشور را حفظ کردند، حق حیات به گردن ماها، به گردن همه مردم دارند. اگر بچه ما می‌تواند در خیابان به مدرسه برود، به خاطر امنیت است؛ اگر امنیت نباشد، بچه شما مدرسه هم نمی‌تواند برود؛ خودتان هم در دکان نمی‌توانید بروید، به محل کار هم نمی‌توانید بروید؛ آن جوانی که مشغول تحقیقات و مشغول پژوهش است، نمی‌تواند پژوهش بکند. می‌خواستند مردم را در مقابل نظام قرار بدهند، خوشبختانه مردم توی دهن اینها زدند و روز بیست‌ودوم دی، میلیونی بیرون آمدند، نشان دادند خودشان را، گفتند مردم ایران یعنی این؛ و علیه فتنه‌گر شعار دادند. مسئولین باید قدر این مردم را بدانند؛ واقعا مسئولین کشور باید قدر این مردم را بدانند.»

رسانه KHAMENEI.IR بر همین اساس به بررسی نقش امنیت در پیشرفت کشورها پرداخته است. امنیت یکی از بنیادی‌ترین نیازهای هر جامعه و پیش‌شرط اصلی برای تداوم زندگی عادی و حرکت به سوی پیشرفت است. هیچ جامعه‌ای بدون امنیت نمی‌تواند به پیشرفت پایدار دست یابد یا آینده‌ای روشن برای شهروندان خود ترسیم کند. امنیت نه‌تنها به معنای نبود تهدید و خشونت، بلکه به مفهوم فراهم بودن شرایطی است که در آن مردم بتوانند با آرامش زندگی کنند، کار کنند، بیاورزند و برای فردای خود برنامه‌ریزی داشته باشند. از این منظر، امنیت زیربنای تمام فعالیت‌های اقتصادی، علمی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود.

تجربه تاریخی کشورها نشان می‌دهد که هرگاه امنیت دچار خدشه شده، نخستین آسیب‌ها متوجه معیشت مردم، نظام آموزشی، تولید علم و انسجام اجتماعی شده است. در مقابل، جوامعی که توانست‌اند امنیت پایدار ایجاد کنند، مسیر پیشرفت را با سرعت و اطمینان بیشتری پیموده‌اند. در چنین جوامعی سرمایه‌گذاری افزایش یافته، نوآوری شکوفا شده و اعتماد عمومی تقویت شده است. این واقعیت بیانگر آن است که امنیت و پیشرفت نه دو مسیر جداگانه، بلکه دو بخش از یک فرایند واحد هستند. فتنه اخیر که با هتاهات و نقش‌آفرینی سروس‌های خارجی در کشور انجام شد به خوبی این مسئله را اثبات کرد.

امنیت سنگ بنای پیشرفت

برای درک نقش امنیت باید آن را مفهومی گسترده و چندلایه دید. در ساده‌ترین سطح، امنیت به معنای ایمنی جانی و مالی مردم است. وقتی شهروندی از جان و مال خود در فضای عمومی و خصوصی احساس ایمنی نکند طبیعی است که انگیزه‌ای برای کار و سرمایه‌گذاری نخواهد داشت. چه کسی حاضر است در منطقه‌ای ناامن کارخانه بسازد یا مغازه‌ای باز کند؟ اما امنیت لایه عمیق‌تری نیز دارد. امنیت روانی و اجتماعی به معنای دوری از ترس و دلهره دائمی است. جامعه‌ای که در اضطراب به سر می‌برد نمی‌تواند ایده‌های نو پروراند یا برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند. خلاقیت و نوآوری در فضای آرام و نه در محیطی ملتهب رشد می‌کند. لایه دیگر امنیت، نهادی است. وقتی این لایه‌های امنیت کنار هم قرار می‌گیرند بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای پیشرفت فراهم می‌شود. در چنین بستری است که معلم به آموزش مشغول می‌شود کارگر به کارگاه می‌رود و محقق در آزمایشگاه به جست‌وجو می‌پردازد. اگر این بستر آسیب ببیند اولین قربانیان، تولید علم و ثروت هستند.

پیشرفت در سایه امنیت چگونه محقق می‌شود؟

با فراهم آمدن بستر امنیت، فرایند پیشرفت در ابعاد مختلف شکل می‌گیرد. در عرصه اقتصاد، امنیت پایدار به برنامه‌ریزی بلندمدت معنا می‌بخشد. دولت و بخش خصوصی می‌توانند با اطمینان برای پروژه‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی سرمایه‌گذاری کنند. شبکه حمل‌ونقل و تجارت به صورت منظم فعالیت می‌کنند، جریان سرمایه و کالا روان می‌شود و رفاه عمومی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی مبارزه با فقر و نابرابری نیز ممکن می‌شود؛ زیرا منابع کشور صرف سازندگی و نه صرف مدیریت بحران‌های امنیتی می‌شود. در عرصه علم و فناوری، امنیت شرط لازم پژوهش‌های عمیق است. پیشرفت در علوم پایه یا فناوری‌های پیچیده نیازمند سال‌ها تحقیق متمرکز و هزینه‌بر است. این تلاش‌ها فقط در محیطی باثبات بین‌المللی نیز بر پایه اعتماد و امنیت شکل می‌گیرد. در بعد اجتماعی و فرهنگی، امنیت به جامعه اجازه می‌دهد هویت و فرهنگ خود را با اطمینان حفظ و تقویت کند. در فضای امن مردم می‌توانند به تولید آثار هنری و ادبی بپردازند نهاد خانواده استحکام می‌یابد و سرمایه اجتماعی رشد می‌کند. همچنین مشارکت سیاسی مردم در چارچوب قانون و بدون هراس از هرج‌ومرج ممکن می‌شود. این مشارکت، خود بخشی از پیشرفت سیاسی محسوب می‌شود. پس می‌بینیم که دستاوردهای پیشرفت در تمامی این عرصه‌ها ریشه در یک بستر مطمئن به نام امنیت دارد.

اهمیت امنیت فیزیکی

هنگامی که از امنیت سخن می‌گوییم، نخستین و ملموس‌ترین تصویری که در ذهن شکل می‌گیرد، امنیت فیزیکی است. این همان لایه حیاتی و غیرقابل مسامحه‌ای است که تمامی لایه‌های دیگر بر دوش آن استوار می‌شود. امنیت فیزیکی به معنای ایمنی جان و مال مردم است. تصور کنید پدر خانواده نتواند با آرامش فرزندش را به مدرسه بفرستد، یا مغازدار هراس داشته باشد که مبادا با تعطیلی مغازه‌اش مواجه شود. در چنین فضائی، اساساً مفهوم زندگی عادی و روزمره از بین می‌رود. این همان خط قرمزی است که دشمنان کشور دقیقاً قصد عبور از آن را دارند. هدف دشمن از حمایت از گروه‌های خرابکار و تروریست، ایجاد همین هراس و ناامنی ملموس در سطح جامعه است.

چرا دشمن به دنبال اختلال در امنیت ایران است؟

فتنه آمریکایی ناامن‌سازی



این اقدامات یک پیام دارد: دشمن نمی‌خواهد ملت

در سایه امنیت به پیشرفت برسد.

بنابراین حفظ امنیت توسط نیروهای مسلح و از آسیب‌دیدن جسمی یا از دست دادن مال در فضای عمومی وجود داشته باشد طبیعی است که هیچ معلمی با خیال آسوده سر کلاس حاضر نشود، هیچ کارگری به کارگاه نرود و هیچ سرمایه‌گذاری ریسک راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید را نپذیرد. تمام صحبت رهبر انقلاب نیز دقیقاً تأکید بر همین نقطه است: «اگر امنیت نباشد، بچه شما مدرسه هم نمی‌تواند برود؛ خودتان هم در دکان نمی‌توانید بروید، به محل کار هم نمی‌توانید بروید؛ آن جوانی که مشغول تحقیقات و مشغول پژوهش است، نمی‌تواند پژوهش بکند.» ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ بنابراین، تلاش نیروهای مسلح و امنیتی برای خنثی‌سازی توطئه‌های خرابکارانه و مقابله با تهدیدات تروریستی در حقیقت حراست از همین امکان ابتدائی زندگی و فعالیت است. این دفاع، شرط لازم و نخستین برای هرگونه اندیشه پیشرفت و سازندگی به‌شمار می‌آید. بدون این حصار امنیتی، تمام برنامه‌های پیشرفت بی‌ثمر و بی‌اثر خواهند بود.

تهدیدات مشترک امنیت و پیشرفت

دشمنان یک کشور مستقل و در حال پیشرفت به خوبی می‌دانند که برای متوقف کردن حرکت یک ملت باید بستر امنیت را تخریب کنند. آنان از ابزارهای مختلفی برای این هدف استفاده می‌کنند. از



رژیم داعش ساز

ایجاد تنش و تهدید نظامی یکی از این ابزارهاست، تحریم‌های اقتصادی نیز با هدف فلج کردن تولید و ایجاد نارضایتی عمومی طراحی می‌شوند، در قالب جنگ روانی و رسانه‌ای تلاش می‌شود تا اعتماد ملی را از بین ببرد و یأس را در جامعه تزریق کنند، حمایت از گروه‌های خرابکار و تروریستی برای ایجاد ترس و بی‌ثباتی داخلی نیز از روش‌های شناخته شده است. حتی تهاجم فرهنگی برای از بین بردن انسجام و هویت ملی در راستای همین هدف قرار دارد. تمامی

سیاسی

Siyasi @kayhan.ir

این همان حقی است که رهبر انقلاب از آن به عنوان «حق حیات» یاد می‌کنند؛ حقی که نیروهای حافظ امنیت بر گردن همه مردم دارند. نگاه راهبردی به امنیت همچنین نشان می‌دهد که پیشرفت خود می‌تواند به تقویت امنیت کمک کند. جامعه‌ای که از نظر اقتصادی توانمند است، از نظر اجتماعی منسجم‌تر خواهد بود. کاهش فقر، افزایش اشتغال، گسترش عدالت و امید اجتماعی همه عواملی هستند که زمینه ناامنی را از بین می‌برند. به همین دلیل، امنیت و پیشرفت در یک رابطه دوسویه قرار دارند؛ امنیت بستر پیشرفت را فراهم می‌کند و پیشرفت امنیت را پایدارتر می‌سازد.

در این چارچوب، مسئولیت حفظ امنیت فقط برعهده نهادهای رسمی نیست. آگاهی عمومی، انسجام اجتماعی و رفتار مسئولانه شهروندان نیز بخشی از امنیت ملی است. گسترش شایعات، بی‌توجهی به منافع ملی و رفتارهای هیجانی می‌تواند ناخواسته به ناامنی دامن بزند. بنابراین، نگاه راهبردی اقتضا می‌کند که امنیت به یک دغدغه عمومی و ملی و نه صرفاً یک مسئله تخصصی تبدیل شود.

پیشرفت پایدار تنها در سایه ترکیب هوشمندانه این دو امکان‌پذیر است. امنیت، شرط آغاز حرکت است و پیشرفت، تضمین تداوم آن به‌شمار می‌رود. هر سаяستی که یکی را فدای دیگری کند، در بلندمدت شکست خواهد خورد. مسیر درست، تقویت همزمان امنیت و پیشرفت و درک عمیق پیوند میان آنهاست؛ مسیری که می‌تواند آینده‌ای باثبات، پویا و امیدوارکننده برای کشور رقم بزند.

نتیجه

امنیت و پیشرفت دو مقوله جداگانه و قابل تفکیک نیستند، بلکه به‌صورت ذاتی به یکدیگر گره خورده‌اند. هرگونه تلاش برای پیشرفت اقتصادی، علمی، اجتماعی و فرهنگی بدون توجه به بستر امنیتی، محکوم به ناکامی است و در مقابل، امنیتی که به پیشرفت منجر نشود در بلندمدت پایدار نخواهد ماند. تجربه تاریخی کشورها و واقعیت‌های عینی جامعه ایران نیز این حقیقت را تأیید می‌کند. امنیت، نخستین نیاز یک جامعه برای حرکت رو به جلو است. وقتی امنیت جانی، مالی و روانی مردم تأمین نباشد، زندگی عادی جریان پیدا می‌کند و زمینه برای کار، تولید، آموزش و پژوهش فراهم می‌شود. در چنین شرایطی است که افراد به آینده امیدوار می‌شوند، سرمایه‌گذاری معنا پیدا می‌کند و جامعه توان برنامه‌ریزی بلندمدت را به دست می‌آورد. همان‌گونه که رهبر انقلاب تأکید کرده‌اند، امنیت به معنای تعطیلی همه ابعاد زندگی است؛ از مدرسه و بازار گرفته تا تحقیق و تولید علم. این نگاه یک تحلیل عمیق و واقع‌بینانه از نقش امنیت در حیات ملی است.

دشمنان یک ملت نیز این پیوند راهبردی را به‌خوبی درک کرده‌اند. به همین دلیل، تلاش آنان معطوف به تخریب همزمان امنیت و پیشرفت است؛ از طریق تحریم، جنگ روانی، حمایت از آشوب و ناامنی و تضعیف امید و اعتماد عمومی. هدف نهایی این اقدامات، متوقف کردن حرکت رو به جلوی کشور و فرسایش اراده ملی است. در برابر چنین تهدیداتی، حفظ امنیت تنها وظیفه نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی نیست، بلکه یک مسئولیت ملی است که نیازمند هوشیاری، انسجام و مشارکت آگاهانه مردم نیز است.

مسیر پیشرفت پایدار ایران از دل یک نگاه متوازن و هوشمندانه به امنیت و پیشرفت می‌گذرد. تقویت توان دفاعی و امنیتی کشور در کنار سرمایه‌گذاری در اقتصاد، علم، فرهنگ و سرمایه انسانی، تنها راهی است که می‌تواند باید بستر پیشرفت باشد و پیشرفت باید به تحکیم امنیت بینجامد. اگر این چرخه به‌درستی شکل بگیرد، هیچ فشار خارجی و هیچ توطئه‌ای قادر نخواهد بود حرکت ملت ایران به سوی پیشرفت و تعالی را متوقف کند.

اغتشاشات اخیر ایران در بستری شکل گرفت که دشمنان کشور به‌صورت فعال در پی برهم زدن ثبات و امنیت ملی بودند. تجربه‌های پیشین نشان داده است که هر زمان ایران در مسیر پیشرفت و تثبیت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود قرار گرفته، تلاش برای ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی نیز به‌طور همزمان تشدید شده است.

در جریان این فتنه هدف اصلی مختل سازی زندگی عادی مردم بود؛ ایجاد ناامنی در خیابان‌ها، تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، آسیب‌زدن به کسب‌وکارها و القای فضای بی‌اعتمادی و ترس در جامعه. دشمن به‌خوبی می‌داند که بدون امنیت، چرخه تولید، آموزش و پژوهش از کار می‌افتد و جامعه دچار فرسایش روانی و اقتصادی می‌شود. به همین دلیل، ناامنی به‌عنوان ابزار اصلی برای ضربه زدن به روند پیشرفت کشور انتخاب شد.

همزمان با آشوب‌های میدانی، یک جنگ رسانه‌ای گسترده نیز در جریان بود که با بزرگ‌نمایی خشونت، تحریف واقعیت‌ها و وارونه‌سازی مفاهیم تلاش می‌کرد تصویر یک کشور بی‌ثبات و ناامن را به داخل و خارج منتقل کند. این عملیات روانی با هدف تضعیف امید اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت طراحی شده بود.

با این حال، تجربه این دوره، بار دیگر نشان داد که حفظ امنیت، پیش‌شرط تداوم پیشرفت و پیشرفت است. هرچند مطالبات و نقدهای اجتماعی امری طبیعی و قابل بررسی است، اما تبدیل آنها به آشوب و ناامنی، دقیقاً در مسیری قرار می‌گیرد که دشمنان ایران برای توقف حرکت کشور به‌سوی پیشرفت طراحی کرده‌اند. از این منظر، برخورد هوشمندانه با ناامنی ضرورتی انکارناپذیر برای حفظ ثبات و آینده کشور به‌شمار می‌رود.

صفحه ۸

پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۴

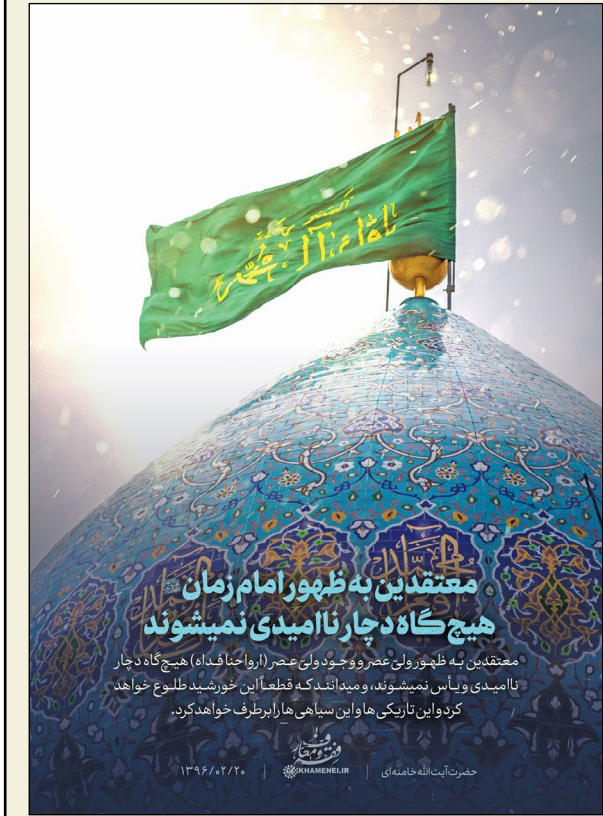
۲۳ شعبان ۱۴۴۷ - شماره ۲۴۰۷۶

مناسبات انقلاب اسلامی با اندیشه مهدویت

مهدی جبرائیلی تبریزی

انقلاب اسلامی با آموزه مهدویت در اندیشه شیعی پیوندی عمیق و مندار دارد. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ را رهبری امام خمینی(ره) و با شعارهای مبتنی بر عدالتخواهی، مبارزه با استکبار و ظهور حکومت اسلامی، در فضائی مملو از انتظار فرج و امید به ظهور منجی عالم شکل گرفت. این رویداد تاریخی، از جهات متعددی با مفهوم مهدویت گره خورده است:

۱. انتظار فعال و امید به آینده‌ای عادلانه: آموزه مهدویت در شیعه، به‌ویژه بر «انتظار فرج» به مثابه یک عمل پویا و امیدبخش تأکید دارد. تأکیدات مکرر امام خمینی(ره) به عدالت، منافع اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، احترام به حقوق بشر و استقلال ملی از این جهت بود. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای می‌فرماید: «نیمه شعبان، مظهر امید به آینده است؛ بقیه امیدها ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ اما امید به اصلاح نهایی به‌وسیله حضرت صاحب‌الزمان امید غیر قابل تخلف است. السلامُ علیک یا وَعْدُ الله الذی ضَمَنَهُ». در جغرافیای تاریخ باورداشت مهدویت، این آموزه همواره با دو خواش کلی روبه‌رو بوده است؛ نگاه حداقلی و سلبی به این باورداشت که پروندادی غیر از رخوت و رکود در جوامع شیعی نداشت‌ه و در مقابل قرائت حداکثری و ایجابی، روح امید و تکیاو را به جامعه تزریق می‌کند. توده انقلابیون در جریان انقلاب اسلامی ایران با بازآفرینی و جلوسازی عینی رهیافت حداکثری آموزه مهدویت، موفق به خلق انقلاب اسلامی در ایران شدند. فرهنگ مهدویت از طریق باورها، رفتارها و نمادهای ایرانیان شیعه به تکیون دینی انقلاب منجر شده است. انقلاب اسلامی با تکیه بر این نگاه، «انتظار» را از حالت انفعالی خارج کرد و آن را به حرکتی اجتماعی برای مبارزه با ظلم و استبداد تبدیل نمود. قاعده قرآنی «وَاعُوا(آماده‌باشید) به عنوان یک دستور اسلامی، در بیان و بنان رهبران انقلاب تجلی یافت و با کاربست آموزه مهدویت در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی، الگوی نوینی از حاکمیت و حکومت را در عصر مدرنیته ارائه کرد.



۲. ایده حکومت اسلامی در عصر غیبت: امام خمینی(ره) با طرح نظریه «ولایت فقیه» کوشید تا شکلی از حکومت مبتنی بر عدالت و احکام اسلام را در عصر غیبت امام زمان(عج) صورتبندی و محقق کند. این ایده، به نوعی تلاش برای زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور تلقی می‌شود. در این راستا نظام معنایی و نمادهای و ابزارهای مهدوی متعلق به دوران حکومت غیرشیعی؛ همچون افکار انجمن حجتیه که مغایر و معارض با وضعیت جدید بود حذف گردید و مفهوم جدیدی از انتظار به معنای عام آن که با دوران جدید از حیات شیعه سازگاری داشت، بازتعریف شد؛ به طوری که برخی مفاهیم جدید، همچون حکومت زمینه‌ساز یا نظریه اختیاری ظهور به وجود آمد. برخی مفاهیم همچون جهانی بون مهدویت و مفهوم پایان تاریخ احیا گردید. توجه به آخرالزمان افزایش یافت و نقشی که برای منتظران ظهور در آخرالزمان و در به وقوع پیوستن ظهور در نظر گرفته شد، پررنگ گردید. وصف ذاتی و کانونی نظام سیاسی جدید، «مهدوی» یا «حکومت منتظرانه» است که می‌کوشد تا حد امکان فضای تحقق عدالت و معنویت را فراهم آورد.

۳. مبارزه با استکبار و طغیان جهانی: در اندیشه مهدویت، یکی از مأموریت‌های حضرت مهدی(عج) مقابله با نظام‌های سستمرگ و مستکبر جهانی است. انقلاب اسلامی نیز با شعار «نه شرقی، نه غربی» و مخالفت با سلطه قدرت‌های استعماری، خود را در مسیر مبارزه با استکبار جهانی قرار داد و این رویکرد را بخشی از مبارزه تاریخی حق علیه باطل تا زمان ظهور تفسیر کرد.

۴. ایجاد امید و بیداری اسلامی؛ انقلاب اسلامی با الهام از فرهنگ انتظار، توانست روحیه امید و مقاومت را در میان ملت‌های مسلمان تقویت کند. این انقلاب به عنوان «انقلاب مهدوی» توصیف شده که موجی از بیداری اسلامی را در جهان ایجاد کرده و به نوعی طلسم حرکت جهانی به سوی ظهور قلمداد می‌شود. از این منظر انقلاب اسلامی، انقلابی تمدن‌گرا و تمدن‌ساز است. تمدن نور در برابر تمدن ظلمانی و ستمبار لیبرال دموکراسی سکولار.

۵. تأکید بر عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد؛ عدالت‌طلبی از محورهای اصلی انقلاب اسلامی و نیز از اهداف مهم حضرت مهدی(عج) است. انقلاب با هدف ایجاد جامعه‌ای عادلانه و دور از فساد و تبعیض به پیروزی رسید و همواره بر توزیع عادلانه ثروت و مقبله با فساد تأکید کرده است. غیر از عدالت اقتصادی، ابعاد و ساحت‌های دیگر عدالت مانند آموزشی، بهداشت و درمان و... در قانون اساسی مبتنی بر گزراه‌ها و مبانی دینی تعریف و پیش‌بینی شده‌اند.

۶. وحدت و همدلی اسلامی؛ در آموزه‌های مهدویت، وحدت امت اسلامی یکی از شرط‌های زمینه‌سازی ظهور است. انقلاب اسلامی نیز همواره بر وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب تأکید کرده و دشمن‌شناسی مشترک را عامل مهمی برای همبستگی می‌داند. ۷. نقش رهبری در عیاب نایب امام زمان(عج): در اندیشه سیاسی شیعه، فقیه عادل در عصر غیبت، به عنوان نایب عالم امام زمان(عج) مسئولیت هدایت جامعه را برعهده دارد. این مفهوم در نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته و رهبری به عنوان ادامه‌دهنده مسیر امام(ع) و زمینه‌ساز ظهور معرفی می‌شود.

۸. پیوند انقلاب اسلامی و مهدویت، پیوندی معنوی، تاریخی و آرمانی است. انقلاب اسلامی با الهام از فرهنگ انتظار و عدالت‌خواهی مهدوی، نه تنها تحول بزرگی در ایران ایجاد کرد، بلکه خود را به عنوان «مهدیدگر» و «زمینساز» ظهور حضرت مهدی(عج) معرفی نمود. این ارتباط در سخنان رهبران انقلاب، در شعارهای مردم، ادبیات سیاسی و در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی به وضوح قابل مشاهده است. البته این رابطه همواره مورد تأکید و بازخوانی قرار گرفته و در طول زمان بر اساس شرایط جهانی و نیازهای امت اسلامی تقویت شده است. این پیوند، با انقلاب اسلامی عمق بخشیده و آن را از چارچوبی فراتاریخی و فراملی قرار داده است.